

رهائی

ویژه مبارکات توده‌های



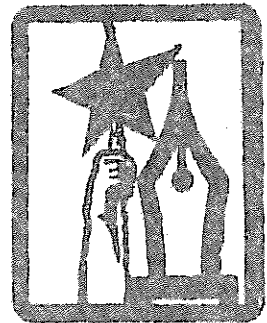
کتابخانه ایرانی
iranische Bibliothek in Hamburg

سال سوم، شماره ۹۲
پنجشنبه ۱۵ مرداد ماه ۱۳۶۰
بهاء ۱۰۰۰ ریال

نشریه سازمان وحدت کمونیستی

تشکیل صف مستقل چپ

تنه‌راه خروج از بحران



بنی‌صدر و شرکا به اضافه جناحی از ارتش و احفالا
پاره‌ای از سران ایلات در شرف تکوین است.
برنامه‌ی این جنبه بر حول محورهای ضد فاشیستی
و ضد دیکتاتوری طرح ریزی شده و همه
گرایشهای سیاسی با این خصوصیت از جمله پرورازی را
در بر میگیرد. حال باید دید چه می‌کند و
اصولا چه باید بکند. تا در گذشته بارها پیروان
ضرورت مردم تشکیل ائتلاف چپ نه بخاطر مشخصات
بقیه در صفحه ۲

بدنبال خروج بنی‌صدر و رجوی از ایران که
بدلیل مختلف و در محافل گوناگون سیاسی با تعجب
شگفتی خاصی تعبیر و تفسیر شد و همچنین بی
آدم‌های این سطر متعاقب با اظهار نظرهای اعلام
مواضع سیاسی رهبران دو جریان مؤتلف در پارسی
پخشهای جدیدی پیرامون انگیزه و دلایل این سفر
خط شی جریان "شورای طاقت ملی" پس از نامه
توکب این "شورا" و پیشنهادهای بین‌المللی
آن در سطح همسازانهای و تشکلات سیاسی
آینده‌بین جریان پیدا کرده است. ما در شماره
های آینده در نوشته دیگری نظرات خود را در ارتباط
با برنامه "شورای طاقت" و چشم‌اندازهای آن که در
مقابل آن قرار دارد اعلام خواهیم کرد.

در اینجا روی سخن ما نه با بنی‌صدر و مجاهدین
بلکه با چپ است. چپ انقلابی که تصمیم به آراه
مبارزه در چهارچوب برنامه رادیکال و چپ‌پروکار
سایر نیروهای چپ و در جنبه چپ دارد. چپ
که به تشکیل صف مستقل خود بعنوان پیش‌شرط
اصلی همکاری و ائتلاف با سایر نیروهای شرقی
اعتقاد راسخ دارد و در این راستا صادقانه
کوشش میکند. ما سوال گذشته خود را که بارها
تکرار کردیم باز هم صراحت تکرار میکنیم:
وظیفای چپ چه میکند و به کجا میرود؟

آنچه که از قرائن پیداست، اگر تا دیروز
ساله عطایت مجاهدین خلق از بنی‌صدر و سرورگسی
نیروهای چپ در چگونگی اتناز وضع در این
ارتباط معدود شده بود هم اکنون ائتلاف طیف
سببی از نیروهای سیاسی از مجاهدین خلق گرفته

در صفحات دیگر

- * اقدام فاشیستی دو رضحی کمونیست
- * نیاز اجباری یا بیگاری در کارخانما
- * تحریر الوسیله
- * وسیله‌های در خدمت نفی کامل حقوق
- * اقلیت‌های مذهبی
- * اخبار

تکثیر از:

هواداران سازمان وحدت کمونیستی در اروپا

تشکیل ...

پراگماتیستی و تاکتیکی بلکه بعنوان یک اصل ضروری تاریخی سخن گفته ایم و عواقب ناشی از عدم تحقق جبهه‌ی چهارم متذکر شده ایم . خرسواری و نرفتنه بان ترقی این و آن شدن نتیجه منطقی پراکنده کاری و شرکت جداگانه در ائتلاف‌های دیگران است . هم اکنون قطب‌های سیاسی مشخص تر شده‌اند . علاوه بر قطبی که ذکر آن رفت - " شورای مقاومت ملی " - به احتمال زیاد قطب مخالفین سلطنت طلب رژیم اسلامی با شرکت و یا بدون شرکت بختیار - امینی - اویسی و دیگران تشکیل خواهد شد . گویانکه تا کنون نیز این جماعت با انجام پاره‌ای همکاریها ترتیب دادن برنامه‌های رادیکالی و غیره مدت‌ها است که برنامه خود را آغاز کرده‌اند . جبهه رژیم جمهوری اسلامی و متحدین و موافقینش نیز گه روشن است و یارگیریه‌ها مدتی است که انجام شده است . حال میماند جبهه چپ و همکاریهای فشرده این جبهه . متاسفانه در اینکه در شرایط حاضر هم بدلیل بروز انحرافات جدید سیاسی در خط مشی و برنامه و هم بدلیل ضربات رژیم قد خلقی حاکم ، بطور کلی جنبش چپ پیش از گذشته تضعیف شده و از لحاظ بنیید و توان مبارزاتی تا حدی تحلیل رفته است بحثی نیست . این امر علیرغم خواست مساب ولیکن بعنوان یک واقعیت امروز در مقابل دیدگان ما خود می نمایاند و ما متاسفانه شاهد این صیر نزولی و وضعیت در هم نیروهای چپ هستیم . معذالک و علیرغم این واقعیت ، آن دسته از نیروها شبکه از اوضاع و احوال کنونی و مسیر تحولات آتی آن برداشت واحدی دارند و از لحاظ بنیید و توان سازمانی قادرند که در چارچوب یک ائتلاف چپ مبارزات خود را هدایت کنند ، میبایست که هرچه زودتر دست‌بکار شوند و تا دیر نشده سنگ بنای ائتلاف راستین نیروهای چپ را - هرچند که در ابتدا این نیروها محدود و کوچک باشند - بنیان نهند . هرگونه تعلل در انجام این امر مهم فاجعه خواهد آفرید .

در ارتباط با پلانتفرم و برنامه جبهه چپ ، سخن بسیار است و نیروهای شرکت کننده در چنین جبهه‌ای خود قادر خواهند بود که به تدوین بهتر -

بن و صحیح ترین برنامه ممکنه بپردازند . لیکن اعتقاد ما بر آن است که خطوط کلی چنین پلانتفرمی باید بر اساسی محورهای ضد امپریالیستی - ضد سرمایه‌داری ، حقوق و آزادیهای دموکراتیک و تعیین مرزبندی با بورژوازی و نیروهای لیبرال و دیگران قرار گیرد . این جبهه یک جبهه تشرف و تشدید مبارزه علیه رژیم ارتجاعی حاکم خواهد بود و نه جبهه عقب‌نشینی بنا بر این سمت اصلی حمله میبایست در جهت تجهیز همه نیروها برای پیکار همه جانبه با رژیم و استفاده از همه شیوه‌های مناسب برای انجام این پیکار متورگیز شود . چپ برای ادامه مبارزه خود در چنین شرایط سختی که رژیم فاشیستی اسلامی به ما تحمیل کرده است به چنین ارگان مبارزاتی نیاز مبرم دارد و ما با تمام وجود این ضرورت و نیاز مبرم را حس می کنیم . و معتقدیم ادامه مبارزات نیروهای چپ با بصورت پراکنده و با بصورت ائتلاف‌های مجزا با جبهه‌های غیر چپ ، بهیچوجه قادر نخواهد بود که در راستای مبارزات توده‌ها بطور مثبت تاثیر گذار باشد . در حالت اول نیروها بسیار رده خواهند رفت و در حالت دوم به انحراف خواهند گراشید . فقط با مشکل کردن صفوف خود قادر خواهیم بود که جایگاه واقعی خود را در مبارزات آهنده بدست آورده و بر مسیر حرکت تاریخ و تعیین جهت آن تاثیر بسزا داشته باشیم . ما در اینجا بار دیگر به همه نیروهای چپ و بخصوص به آن دسته از عناصر مادی که گرفتار بی سیاستیها و یا بسه سیاستهای رهبری سازمان های خود شده‌اند هشدار میدهم که زمان حرکت گریه بسیار دیر لیکن هر چه زودتر ، باید آغاز گردد . تا گامهای جدیدی در تشکیل ائتلاف اصولی همه نیروهای چپ برداشته شود . ما در این راه حاضریم با تمام نیرو و ادای سهم کنیم . لیکن مسئولیت عدم تشکیل جبهه چپ بویژه بعهده کسانی خواهند بود که در لفظ و بیان از تشکیل صف مستقل چپ سخن می گویند ولی در عمل در جهت تحقق آن هیچ گامی بر نمی‌دارند . پس رفقا دست‌بکار شویم . تعلل ها و تردیدها را به کنار گذاشته و به تشکیل قطب چپ ، قطب انقلابی در جامعه همت گماریم و جنبش چهارم یک گام به سوی شکل و یکپارچه‌گی به پیش ببریم . رمز موفقیت ما در همین است .

تشریز و رفیق ابوالفضل نیز دانشجوی سال سوم همان دانشگاه بود . ما شرح زندگی و فعالیت مبارزاتی رفقا زاد شماره‌ها و آینه منجکی خواهیم ساخت . باشد که خون پاکشان پرچم سرخ سوسیالیسم و آزادی را بر افراشته تر سازد .
یادشان گرامی باد

اعدام فاشیستی دو رفیق کمونیست

★

در سه‌رگانه روز جمعه ۹ مرداد ، جنایتکاران جمهوری اسلامی بدستور موسوی نیروی جلا ده دو تن از بهترین رفقای سازمان در تبریز را به جوخی اعدام سپردند . رفقا منوچهر دست‌نوع (مرتضی) و ابوالفضل صالحی مرزبجراتی (علی) که در تاریخ ۳ تیرماه پیش در حین سخن اعلامیه و نشریه سازمان دستگیر شده بودند به "انجام" قیام مسلحانه علیه جمهوری اسلامی تبریز را ان شدند تا کشتاران خون آشام ارتجاع به حکومت سنگینشان ادامه دهند . رفیق منوچهر دانشجوی سال آخر فلسفه دانشگاه

رفقا و هموطنان مبارز!

از آنجا که بعطت شرایط ترور و خفقان شدید بخش گسترده‌ی "رهاغی" میسر نیست ، برای تشدید هر چه بیشتر افشاگری علیه رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی نشریه را پس از مطالعه در اختیار دیگران بگذارید .

نماز اجباری یا بیگاری در کارخانه‌ها

منفی بگذارید و لژم میباشد تا با تنظیم برنامه از ایجاد هرگونه اختلال در امر تولید جلوگیری شود، پساً بیانچه زمانی معین به این منظور اختتام بر داده شده، نمیتوان بهیچوجه در صورتیکه بهر دلیل یا عذری شرکت در نماز جماعت مقدور نبود دست از کار کشید و اعلام میدارد انتقال بکار در زمان برگزاری نماز جماعت حتی بسرای کارگران ایجاد نخواهد کرد.

(روزنامه جمهوری اسلامی ۶۰/۲/۲۲ تأکیدار ماست)

بزبان ساده‌تر یعنی اینکه ساعات کار باید افزایش یابد تا زمانیکه برای نماز اجباری صرفه میشود هم میزان تولید لحظه نزنند و یا اثر منفی نگذارند. از طرف دیگر اگر کسی "بهر دلیل یا عذری" در نماز نمیتواند شرکت کند (حال چه از طبیعت مذکور باشد چه معتقد به نماز اجباری نباشد و چه اطلاعتقاد به همین نداشته باشد) حق دست کشیدن از کار را ندارد و باید عدم شرکت خود را با استنثار خودگوه "حسی برای کارگران ایجاد" نمیکند، کفاره دهد، یعنی بهیچوجه دیگر کار کند ولی مزد نگیرد. این نماز گذشته از هدف درخیمان رژیم برای شناسایی و جاسوسی در مورد هنرمندی است که نماز نمیخوانند. اینست آن عشق این دیوانگان لجام گشیت که با آن میخواهند جهان را هم مسلمان کنند؛ یا در نماز اجباری شرکت کنید و یا مجاناً بنفع جیب برماییداران کار کنید.

اگر تا بهروز معنی شمار "جهان را براساس منطق سلطان میکنیم" برای فدهای از مردم نماند شناخته بود، امروز معنی و مفهوم واقعه‌ش بخوبی بیان شده است، واقعات زندگی کمتر جای ابهامی برای شمارهای عوام فریبانه و بی محتوی باقی میماند. منطق بزم رژیم جمهوری اسلامی یعنی بیباوران شبانه روزی گردستان، یعنی آوارگی میلیون ها جنگ زده، یعنی باسال کردن حقوق اولیستای زمینگان، یعنی توج توج انقلابیون را به جرمشدهای اعدام سپردن، یعنی زندان، یعنی ترور، یعنی شکنجه، یعنی...

رژیم جمهوری اسلامی طبرقم بلاهت تاریخیست خوب میداند که آن نیروی اجتماعی اساسی ای که کار او را بکسر میکند و به ادامدی حیات پر نکبت و زهر آگینش خاتمه میدهد، طبقاتی کارگری است که به آگاهی دست یافته است. مستجران معدود الفکر و گیاده کشان بر مایه های آنی و خست رفت جنبشی طبقه کارگر - این آتشفشان هم اکنون خاموش - آرام و قرار ندارند و با شما با انواع و اقسام حیل درمدا بهاد مواضع هستند تا آگاهی - این آفتابی علاج بر مایه داری - پنهان آنها نرود. اما کیست که نداند رژیم به طاب دارش توج میکند. اطلاعیهی وزارت کار و امور اجتماعی دربارهی برگزاری نماز جماعت در کارگاه ها بخوبی گویایی رذالت های نقاب دار و بی نقاب رژیم است. در این اطلاعیه آمده است:

"انجام این فریضه نباید در امر تولیدات

اعدام سعادت...

اقتضای طبیعتان همنوای "امام امت" و عزرب الله" از آب درآمدند. اما اگر چنین تفلاهایی ساده ترین شکست روزهای موشج دوران باشد، خنده دارترین تاریخ تاریخی نیز حلقه بگوشی و بی طبیعتی منتضانهی خود فروختگانی چون حزب توده و اکثریتی هاست که با جاسوسی برای بقای اسلام و انقلابیون عزیز و لو دادن انقلابیون در خدمتگران بد رژیمی که قرار است سرب را در شرف سربازیه داری را واقعت جلوه گر کند، در عین خفوع گوی سبقت از یکدیگر رسیده اند. در این حال، اعدام سعادت و دیگرها رژیم و انقلابیون تنها گویای درعاندگی سردمداران جمهوری اسلامی در عقانیت بخشیدن به رژیم قرون وسطا شیطان نیست. بلکه افشاگر و رسواکنندهی خائضین و خود فروختگان از جمله شیفتگان و راهیان "را در شرف سربازیه داری" نیز هستند.

اعدام محمدرضا سعادت از اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران در حالیکه قبلاً به اتهام "جاسوسی" توسط "دادگاه فدا انقلاب" به ۱۰ سال حبس محکوم شده بود، بار دیگر در عهدی استیصال و سبقت حکام "مکتبی" و "اسلام پناه" را عرضه کرد. تشکیل یک دادگاه فرمایشی برای تبدیل ۱۰ سال حبس به اعدام، برای رژیمی که در عرض چند ساعت حداقل سی نفر را "مهاکمه" و به جوغسیدی اعدام میسازد و با هزاران سباز و انقلابی را ماهها بلا تکلیف و بدون هیچ مجوزی در زندان نگاه میدارد هم آنقدر آسان است که از جنبش رژیم جز این انتظاری نداشته. درک اینست ساله برای انقلابیون صدیق و نوده های از توهم رسته همانقدر سهل است که ماستحالی کسب کردن سعادت جاسوسان خود فروختگی نظیر حمید جوادی (ما مور سیا به اعتراف خود) و غیره که بسسه

“تحریر الوسیله”

وسيله‌ای در خدمت نفی کامل حقوق اقلیت‌های مذهبی

دارای آزادی در هرگونه عقیده‌ای هستند ولیکن آزادی خرابکاری را ندارند.

ب- در اسلام آزادی انتخاب شغل بر هر فردی بر حسب ضوابط قانونی محفوظ است.

(کتاب "مباحبه با امام"، ترجمه و تالیف ابرج جمشیدی، انتشارات پیشگام، تهران، صفحه ۱۵)

و در پاسخ به پرسشهای مکرر در مورد حقوق اقلیت‌های مذهبی چنین گفت:

"تمام اقلیت‌های مذهبی در ایران برای اجرای آداب آئین و اجتماعی خود آزادند و حکومت اسلامی، خود را موظف میداند تا از حقوق و امنیت آنان دفاع کند و آنان هم مثل سایر مردم مسلمان ایران، ایرانی و محترم هستند."
(آبان ۱۳۵۷ - همان کتاب صفحه ۲۹)

"... اسلام نسبت به این اقلیتها احترام قابل است... باید غرض مشوجه باشد که اسلام نسبت به اقلیت‌های مذهبی بسیار با احترام رفتار میکند. من بارها گفته‌ام که آنان در ایران آزادانه مراسم خود را انجام میدهند و ما موظفیم از آنان نگهداری کنیم."
(۱۹ آبان ۱۳۵۷ - همان کتاب صفحات ۴۴-۴۳)

تجربهای تلخ دو سال و نیم حکومت اسلامی اکثریت قاطع مردم ایران مرفیظر از جنس، نژاد، طیف، اعتقاد به هرگونه دین، و بی اعتقادی به دین نشان داده است که:

الف) بر خلاف وعده‌های خمینی، در حکومت اسلامی نه تنها مارکسیستها هیچگونه آزادی اندیشه و آزادی بیان اندیشه را ندارند، بلکه حتی معتقدین به اسلام نیز اگر به اسلام خمینی معتقد نباشند تحت محدودیتهای گوناگون (از بستن روزنامه‌ها تا اعدام) قرار میگیرند.

ب) "ضوابط قانونی" که خمینی از آن دم میزند فقط یک چیز است: تسلیم مطلق در برابر رژیم او. و "خرابکاری" هم در قاموس او مانند رژیم شاه، یعنی ابراز کوچکترین مخالفت با رژیم.

چنانکه گفتیم اینها همه در تجربیه اشبات شده است. اگر چه برای برخی از مبارزان آگاه پیش از این تجربه هم دروغ بودن ادعاهای خمینی آشکار بود. اما در همین حال بوده‌اند و هستند کسانی (خودفروشان) چون توده‌ای‌ها و اکثریتی‌ها) که جنایات رژیم را به "مباحثات"

در بخشهای گذشته بررسی کتاب "تحریر الوسیله" دیدیم که لایحه‌ی "قصاص" خلاصه‌ای است از سه فصل "حدود، قصاص و دیات" این کتاب. اگر چه این کتاب چند قرن پیش نوشته شده است، اما چون خمینی آنرا تائید کرده و مواردی هم به آن افزوده است در حال حاضر سه دروغ نوشته‌ی او قلمداد میشود.

با بررسی نشنا چندماده از قوانین مربوط به ازدواج و مجازاتهای موجود در این کتاب نشان دادیم که تفکر مسلط بر آن، که همان ایدئولوژی رژیم خمینی است:

الف) بیشتر مانع بدیهی ترین حقوق زن را نفی میکند و او را به حد کمتر از یک حیوان تنزل میدهد. نمونه: مسالهی ۱۲ صفحه‌ی ۲۴۱ جلد دوم "تحریر الوسیله" در مورد اجازه‌ی ازدواج با دختران فرسالم حتی کمتر از نه سال.

ب) بوضوح طبقاتی و مدافع منافسین شروتمندان است. قوانین مجازات موجود در این کتاب به شروتمندان اسکان میدهد در مقابل برداشت پول به هر جنابینی دست بزنند. از این رو این قوانین خود بزرگترین مضوق قتل و جنایتند. حتی بگ نگاه به مقررات "قصاص" که در "لایحه‌ی قصاص" نیز آمده‌اند این نکته را سه آسانی ثابت میکند.

پ) این تفکر علاوه بر آنکه کوچکترین بین درکی از ساده‌ترین مسایل اجتماعی ندارد، خشن ترین و وحشیانه‌ترین روشها را برای مقابله با آنها تجویز میکند: شکنجه و قطع انگشتان کودکان برای بازداشتن آنان از دزدی (مسالهی یک صفحه‌ی ۲۸۲). "قطع سر، پرتاب از بالای کوه با دست و پای بسته، کشتن در زیر آوار، سوزاندن در آتش یا ترکیبی از آنها" در مورد کسی که لواط کرده باشد. (مسالسه‌ی ۶، صفحه‌ی ۹۴۷)



خمینی در ۱۹ آبان ۱۳۵۷، ماهها قبل از آنکه قدرت را بدست بگیرد با حتی طمعش باشد که قدرت را بدست خواهد گرفت، برای فریب توده‌ها در پاسخ به سؤال "سازمان عفو بین المللی" در مورد "آزادی عقیده، آزادی بیان عقیده، و آزادی انتخاب شغل" برای مارکسیستها چنین گفت:

الف- در حکومت اسلامی همه‌ی افسراد

غیر مسئول که در داخل رژیم رخنه کرده اند نسبت میدهند، و با آنها جلوه‌ای از "برخورد درگانه‌ی خرده‌بورژوازی" میدانند. و بوده‌اند و هستند کسانی که این جنایات را "انحرافی از اسلام" قلمداد میکنند.

اما از آنجا که مقررات کتاب "تحریر الوصیه" مبتنی است بر قوانین اسلامی گسسته از قرآن، سنت پیغمبر، یا نظرات مراجع شیعه استخراج شده‌اند، توجه به مواد مریح زیر تا از آن کتاب نشان خواهد داد که هدف آگاهانه پسا ناآگاهانه‌ی تمام اظهارات توجیه‌گرانه‌ی فسوق چیزی نیست جز فریب‌توده‌ها.

مسأله‌ی ۱۵ در صفحه‌ی ۳۶۶ جلد دوم کتاب تعاریف زیر را درباره‌ی "مرتد" ارائه میدهد:

"مرتد فطری کسی است که یکی از والدینش در عین اعتقاد نطفه‌سلبان باشد، پس از رسیدن به بلوغ اظهار کفر کند، پس از آن دوباره کافر شود، و پسر از آن از اسلام خارج شود."

"مرتد ملی کسی است که والدینش در حال اعتقاد نطفه‌سلبان کافر باشند، پس از رسیدن به بلوغ اظهار کفر کند، پس از آن مسلمان شود، پس از آن دوباره کافر شود، مثل مسیحی الاطالی که مسلمان شده و پسر از آن دوباره، مثلاً، مسیحی شود."

و سایر زیر "مجازات" چنین فردی را تعیین میکنند:

"مسأله‌ی یک (صفحه‌ی ۲۹۴): اظهار اسلام از سوی مرتد فطری قبول نمیشود، و اگر مرد باشد کشته میشود، اگر زن باشد... کشته نمیشود، بلکه حبس ابد میشود در مواقع نماز گتنگ زده میشود و معیشت (خورده و خوراک و شرایط زندگی) بسر او سخت گرفته میشود، و اگر توبه کند از حبس خارج میشود. از مرتد ملی خواسته میشود که توبه کند، اگر امتناع کند کشته میشود، و جانب احتیاط آن است که سه روز از او درخواست توبه شود و در روز چهارم کشته شود."

توجه داشته باشیم که مجازاتهای فوق هیچ ارتباطی به "خوابکار" بودن یا نبودن فرد ندارد و صرفاً بر مبنای تقبیه‌ی او اجرا میشوند. مطابق این قوانین بگ فرد کمونیست یا بایزدییر شکنجه و حبس ابد تغییر عقیده میدهد، و یا باید کشته شود. بخلاوه، مسأله‌ی ۸ صفحه‌ی ۲۹۵ میگوید:

"اگر مرتد ملی توبه کند، و پس از آن کسی که فکر میکند او هنوز مرتد است او را بکشد، کشته شده است که با بد قضا می‌شود، و قویترین آن است که ((قصاصی)) نشود، و لازم است که آر مالش دیده ((پول خون)) پرداخت شود."

با این ترتیب "مومنان" میتوانند هرکس را که

"فکر میکنند" مرتد است بکشند بدون آنکه ترسی از مجازات اعدام داشته باشند. این قوانین گسسته تنها اجازه‌ی قتل کمونیستها را صادر میکنند، بلکه خون معتقدان به ادیان چون بنیادینت و دین بودا و غیره را نیز "حلال" اعلام میکنند.



توجیه‌گران اسلام و رژیم خمینی با پشیمانانند که اگر چه اسلام بر "کفار خریبی سخت" میگردد، اما با "اهل کتاب" (یعنی مسیحیان، یهودیان و زرتشتیان) بسیار مدارا میکند و در مقابل گرفتن باج از آنان، حقوق آنان را محترم میخارد و از آنان دفاع میکند. مقررات موجود در بخشهای مربوط به "اهل ذمه" یعنی کسانی که با پرداخت باج از اعدام نجات پیدا میکنند، معنی واقعی "احترام به حقوق" و "دفاع" از اقلیتهای مذهبی را به خوبی نشان میدهند:

"مسأله‌ی ۲": صفحه‌ی ۲۹۷، میگوید هر کسی که پس از ظهور اسلام مسیحی، یهودی یا زرتشتی شود "کافر خریبی است" یعنی قتلش واجب است. "مسأله‌ی یک": صفحه‌ی ۲۹۹، مقرر می‌دارد که "جزیه" یعنی همان مالیات با باجی که "اهل کتاب" باید بدهند "مقدار خاصی ندارد و حدی هم دارد ((تا کینه‌ها همه جا از ماست))، بلکه تعیین

مقدار آن به نظر والی و تشخیص او از مصالح مکان، زمان و مقتضیات روز بستگی دارد. طبق "مسأله‌ی ۶"، صفحه‌ی ۵۰۰، "والی" یعنی حاکم مسلمانان مجاز است علاوه بر گرفتن باج، "اهل کتاب" را مجبور کند که به مسلمانان که از مناطق آنان میگذرند "مهمانی" بدهند.

بنابر بخش ششم از "مسأله‌ی اول" صفحه‌ی ۵۰۱، "اهل کتاب" در صورتی با پرداخت جزیه از قتل نجات پیدا میکنند که تعهد کنند که در "سرزمین مسلمانان":

"کنیسه‌ها سازند، ناقوس نزنند، با ختمان بسازند، سازند، و اگر خلاف آن کنند تعزیر میشوند."

مطابق "مسأله‌ی ۱۰"، صفحه‌ی ۵۰۲، "مکروه" است که فرد مسلمان به "کافر ذمی" سلام کند و جواب سلام او را هم باید "هرچه کوتاهتر" بدهد. همین "مسأله" میگوید "مستحب" است مسلمانان "کفار غیر ذمی" را "مجبور کنند از تنگنویسی کوچه‌ها عبور و سرور کنند". طبق "مسأله‌ی یک" صفحه‌ی ۵۰۴،

"اهل کتاب... مجاز نیستند در شهرهای اسلام معابدی مانند کنیسه ((معبد یهود)) یا بنای... کلیسا یا آشکده بنا کنند و اگر بنا کنند والی مسلمان باید آنها را خراب کند."

مبارزه با امپریالیسم جدید از مبارزه با سرمایه‌داری نیست

تعمیر آن میزان نیست و بایست از آن جلوگیری شود. در غیر این صورت مسا اعتراضی نداریم مگر آنکه بخواهند از آن طریق مذاهب باطن خود را میان مسلمانان تبلیغ کنند و فرزندانشان را گمراه کنند، که در آن صورت واجبست است که از آن منع شوند، و بهوسیله مناسبی دفع شوند.

"چهارم - کافران، چه ذمی و چه غیر آن، اجازه ندارند مذاهب باشد خود را در سرزمین مسلمانان تبلیغ کنند، یا کتابهای گمراه کننده خود را نشر دهند و فرزندان آنها ((مسلمانان)) را به مذاهب باطن خود دعوت کنند و واجبست که ((در این صورت)) تعزیر شوند، و بهروالیهان دولت اسلامی واجبست که بهوسیله مناسبی از آن کار بازشان دارند، و واجبست که مسلمانان از کتابها و مجالس آنان دوری جویند و فرزندان خود را سر از آن منع کنند، و اگر چیزی از کتابها و اوراق گمراه کننده شان به دستشان برسد باید آنها را از بین ببرند، و کتابهای آنها چیزی نیست مگر ((کتابهای)) تحریف شده و غیرمحرّم. خدای بزرگ مسلمانان را از شر اجانب و هیله هایشان محفوظ نگاهدارد، و گلهای اسلام را بالاترین کلمه قرار دهد."

چنین است معنای واقعی "احترام بسیار" و "آزادی اقلیتهای مذهبی تحت حاکمیت اسلام عزیز" و چنین است معنای واقعی شعار فاشیستهای حزب الله که روی دیوارها مینوشتنند و مینویسند: "جهان را با منطق مسلمان میکنیم!"

منطق باج گیری، کتاب سوزی، تحریف اما کسین مذهبی، زندان، شکنجه و اعدام، نه برای جلوگیری از "خوابکاری"، بلکه برای جلوگیری از عقاید متفاوت آسم توسط کسانی که ادعا دارند "عالیترین" و "محکمترین" نوع عقیده را دارند و "گسترده ترین" آزادیهای اجتماعی را برقرار کرده اند.



اخبار...

بدستورنخست وزیر کیف دستی و سایل کارمند. ان ادارات و موسسات دولتی تفتیش میشود. این دستور در کارخانه ها به صورتی ختن ترو تو همین آمیز تر انجام میگردد. دویکی از کارخانه ها همسوهی وقیعا نهی تفتیش بدنی به قدری موجب خشم و نفرت زنان کارگر میشود که آنها اعلام میکنند، حاضرند گاملا برهنه شوند و لباسهای خود را در اختیار تفتیش کنندگان قرار دهند، ولی اجازه نخواهند داد که چنین بیشرمانه آنان را تفتیش بدنی کنند.

و بنا بر "مسأله ۲" در همان صفحه، معابد اهل کتاب در تمام شهرهایی که مسلمانان آباد کرده باشند مثل بصره، کوفه، بغداد و تهران، و با شهرهایی که مسلمانان به مرور فتح کرده باشند باید بوسیله والی مسلمانان خراب شوند حتی اگر والی جاشر ((ستمگر)) باشد. بخاطر داریم که مدت کوتاهی پس از کودتای امریکایی ۲۸ مرداد فلسفی واعظ، نوکر رژیم شاه و رژیم خمینی، به همراه سرلشگراهدی، نخست وزیر رژیم کودتا، معبد بهائیان در تهران را "فتح نظامی" و "تخریب" کرد تا "مواتیب اسلامیت شاهنشاه عظیم الشان" را ثابت کند. "مسأله ۲"، صفحه ۵۵، از این هم فراتر میروند و میگویند:

"هر ساختمانی که ((کافر)) ذمی بدست آورد یا بسازد نباید از ساختمان همسایه مسلمانش بلندتر باشد."

گرچه همین ماده با قدری "تامل" و "دودلنسی" میگوید "شاید کافر ذمی مجاز باشد ساختمانی هم ارتفاع ساختمان همسایه مسلمانش بسازد!" "متفکر آزاداندیش" پس از ذکر چندین مقررات دیگر در مورد بلندی و کوتاهی دیوار خانهی "کافر ذمی" بیچاره: برای آنکه جنبین کسی فکر نکند با جلب رضایت همسایه اش میتواند مثلا، یک اتاق بر روی پشت بام خانه اش بسازد. در مسأله ۱، صفحه ۵۵، میگوید:

"ظاهرا مجاز نبودن بلندی ((ساختمان)) از احکام اسلام است و ربطی به رضایت یا عدم رضایت همسایه ندارد..."

و سپس برای آنکه مبدا "اهل کتاب" تحت "حمایت حکومت اسلام" بفکر استفاده از این همسایه "آزادی" بیافتند، "فروع" زیر را هم در صفحات ۵۵۶ و ۵۵۷ به خوانین فوق اضافه میکند:

"اول - ... اگر ((فرد ذمی)) از دین خود به دینی که اهل آن بر مذهب خود باقی میمانند ایمان بیاورد، یهودی ای که مسیحی شود یا برعکس، آیا از او پند بررفته میشود؟ بعید نیست که پذیرفته شود، و گفته شده است که جز اسلام یا قتل چیزی از او پذیرفته نخواهد شد."

"نوم اگر ذمی ای وصیت کند که کنیسه یا کلیسا یا آتشکده ای ساخته شود بمنوی معبدی برای آنها یا جایی بسرای عبادات باطلان، و آن کار بما واگذار شود، ما اجازه نداریم آن را انجام دهیم. همچنین اگر وصیت کند که چیزی در راه نوشتن تورات، انجیل، یا دیگر کتابهای گمراه کننده و تحریف شده و چاپ و پخش آنها صرف شود، و همچنین اگر چیزی مشابه آنچه گفته شد در دسترس کند، حتی اگر آن کار به ما واگذار شود، اگر ساختمان باشد ساختن بنا

هسته های مقاومت توده های را سازمان دهیم

آزادی و رافت در جمهوری اسلامی

"قهر خداوند" یا "آزمایش امت"

بار دیگر زلزله بر محرومترین مردم ستم‌پسندی میهن ما تازیدن گرفت. خانه‌ها پشان را بر سرشان ویران کرده. هشتیان را در زیر آوار مدفون ساخت. عده‌ای را بی جان و عده‌ای را بر تلی از خاکستر در سوگ عزیزان باقی گذارد.

در حالیکه سرمایه‌های زحمتکشان میهن ما از سوئی در جنگ ارتجاعی ایران و عراق نابود میشوند و از سوئی دیگر توسط سردمداران رژیم جمهوری اسلامی و اعوان و انصارشان دو آزادی "اجر آخرت" به جیب زده میشود (رجوع کنید به اسناد دزدیهای بنیاد مستضعفین در شماره‌های گذشته‌های رهایی و غیره) و با به حساب غشوش خدمتی به جیب اربابان و کمپانیهای امپریالیستی ریخته میشود (قرارداد با شرکت تالبوت و غیره)، محرومین خلقهای ایران، رنج‌دیده‌ها و ستمکش در سرفوله‌هایی (در بهترین حالت) از پشت و گل در معرض عوامل طبیعی از جمله زلزله و سیل شاهد از دست دادن جان و مال و هستی ناچیزشان میباشند.

و مضحک آنکه یاوه‌سرایان رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی همچون با زدای فریب و تیرنگ این تجاپیع را "قهر خداوند" یا "آزمایش امت" مینامند. برآستی اگر نتگین تر از مرتجع، فاشیست و مزدور سرمایه مفسی وجود داشته باشد با زهم ژیبنده‌های همین رهبران خودگسارده است. مردمی که قرن‌ها تحت استبداد "ستم‌شاهی" و اخیراً "ستم فقیهی" در غیر انسانی ترین شرایط تحت بهره‌کشی نظامهای طبقاتی به وحشیانه ترین وجهی شکنجه و تحقیر شده‌اند به کدام جرم مستوجب "قهر خداوند" متما و با کدام معیار مورد "آزمایش" قرار میگیرند؟

آیا این "خداوند سرمایه" نیست که از زبان "خداوندان فریب و تیرنگ" این چنین ریاکارانه ساقط شدن هستی محرومان و رنجبران را به گردن خود آنان می‌اندازد تا امکان ادامه "قهر" سرمایه را "آزمایش"ی دیگر کند؟

چرا، هست. اما جاودان نیست و مهمترین از آن دیرپای نیست، طومار دریده‌ای ایستاده فریبکاری و فریبکاری که طوفان "قهر" زحمتکشان سر بگیرد "آزمایش" مرگ را مغلوب خواهد شد. روزی که زنجیربان اردوی کار برای سحر هرگونه ستم طبقاتی جدال قطعی را به تلاش برخیزند. روزی که طبیعتی مرگ خداوندان سرمایه از بازوی رنج و گرده‌ی ستم درخشیدن آغاز گیرد. روزی که... دیر نیست.

پیش از دو سال و نیم از حکومت "عدالت‌آمیزی" می‌گذرد. در این مدتی که روح خدا در روی زمین مکفرماشی می‌کند، "آزادی" از نوع اسلامی اش هر روز ابعاد هولناک تری بخود می‌گیرد. اگر روزی چماق‌داران به صفوف نظامی نیروهای انقلابی حمله می‌کنند، روز بعد با لشکر گشی مزدوران - سرمایه به ترکمن صحرا و کردستان، قتل عام خلقهای تحت ستم تحت نام اسلام توجیه می‌شود و چند روز بعد از آن مبارزات کارگران انقلابی که ظاهراً "هر مویشان به تمام کاخ نشینان می‌آزد" با خشونت بیسابقه‌ای سرکوب می‌شود و امروزمذای رگبار گلوله‌های دژخیمان رژیم در میدانهای عدام لحظه‌ای قطع نمی‌شود.

آری! زحمتکشان ایران آزادند، مثلاً آزادند تا از میان چهار جلادی که حزب حاکم برای ریاست جمهوری کاندید می‌کند یکی را برگزینند. و باز آزادند تا از بین چهار روزنامه‌ی ارگان ارتجاع یکی را بخوانند. و بالاخره آزادند تا بین نوکری ولایت فقیه و سینه‌زدن در پشت سر حکام مرتجع و زندان و شکنجه و قرار گرفتن در برابر چوخی اعدام یکی را انتخاب کنند. اما سردمداران رژیم بسیار بیشتر از توده‌های مردم از آزادی نسوع اسلامی نصیب برده‌اند: آزادی کشتار انقلابیون و کمونیستها بدون محاکمه، آزادی در اعدام زنان آهمن و نوجوانان ۱۲ - ۱۳ ساله، آزادی ریختن به خانه‌های مردم و دستگیری و زندانی کردن آنها به بهانه‌های واهی - آزادی قتل - جنایت - خیانت و دزدی. دادستانی انقلاب حتی به این هم قانع نبوده و برای کامل کردن سپاه هی جنایات حکومت در روز پنجشنبه اول مرداد در اطلاعیه‌ای اعلام میکند:

"هرکس در روز انتخابات اعتکاش کند، هستی متاوجه لفظی، مجرم، مفسد فی الارض و بی‌غی

شناخته شده و محکوم به اعدام است. اما به خطا رفته‌ایم اگر به پنداریم در این دو سال اندی، وظیفه‌ی رژیم حاکم همه کشتار و سرکوب بوده و رافت از نوع اسلامی را فرا موش کنیم. تقاضای منطقی در اینجا است که این رافت شامل هرکسی نمی‌شده است، و فقط آن کسانی از آن نصیب بهره‌اند که در مقابل حکومت سرمایه سر تعظیم فرود نیاورده‌اند. جهت الاسلام ری شهری رئیس دادگاه انقلاب ارتش در محاسنی مطبوعاتی خود به این نکته اشاره کرده و میگوید:

"در ظرف مدتی که مسئولیت دادگاه انقلاب اسلامی ارتش برده‌ی ما بود عملاً نشان دادیم عده‌ای ولو اینکه جرائمشان در حد اعدام بود با امتحاناتی که از آنها بعمل آمد احساس شد که اگر از بازداشت بیرون می‌آیند برای جامعه ((سرمایه‌داری)) مفید خواهند شد آزاد شدند. هرکس را که خادم ارتش باشد، آتوا می‌پذیریم."

(کنیهان - ۳۱ شهریور ۱۳۶۰)
آری مهر و عطوفت جمهوری اسلامی فقط شامل حال ما و گیها و چمنسارهای شاهنشاهی است که وجودشان برای حفظ نظام سرمایه‌داری و تثبیت رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی مفید باشد

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی ناتوان از حل مشکلات اقتصادی و سیاسی - در آخرین دقائق عمری خود بر هر خس و خاشاکی برای نجات جنگ میانداز ولی هر دم بیشتر در منجلاب تنهایی فرو میرود. اما رژیم باید بداند که اعدام انقلابیون و کمونیستها بی جواب نمی‌ماند و باید بداند که علی‌رغم این کشتارها، آنها لحظه‌ای دست از مبارز و افشا رژیم بر نخواهند داشت.

۴) همگان قهره‌ای به شماره‌ی ۳۳۷۵۲ تهران

۵) همگان قهره‌ای به شماره‌ی ۱۳۵۷۷ زنجان -

۶) دانشون آبی شماره‌ی ۸۱۲۸۹ مشهد

۷) وامت مزدا ۱۶۰۰ نارنجی بشماره‌ی

۲۱۶۴۲ مشهد ۱۱

۸) تاگسی شماره‌ی ۲۶۵۵۵ مشهد

۹) تاگسی شماره‌ی ۲۲۳۷۸ مشهد

۱۰) همگان قهره‌ای شماره‌ی ۵۷ بشماره‌ی

۲۹۱۲۵ مشهد ۱۱ از افراسیاب‌های مورد استفاده‌ی

چاقوگشان حزب المللی

۱۱) همگان قهره‌ای شماره‌ی ۱۱۵۸۲

مشهد متعلق به با پاسداران مشهد

از طرف آموزش و پرورش مشهد، غربی بسند

دبیرستانها فرستاده شده که باید توسط دبیران

"آموزش پیشین" (که عموماً از دانشجویان فالانسی

و حزب المللی ها هستند که نقش جاموسی را بر

عهده دارند) انگیزا نیز زنی نهوده و مستق

التدریس میکنند) بر شده در این فرمها نظیر

این جاموسی را چه به نگاری یا عدم نگسازی

مسئولین امور، دبیران، متدبیران دفاتر و قهره

با "آموزش پیشین" دبیرستان سوال شده است

همچنین در تاریخ ۱۷ شهریور آموزش و پرورش

مشهد به دبیرستانها دستور با گذار افراد غیر

مکتبی را صادر کرده است

رژیم به شهریور آموزش و پرورش از همگان

پشتا که را بر کما عدی جدید ولایت تعیین

وزیر آن بود پس در ایجاد هیئت سروروار عذب

و برقراری یک بریان جاموسی داشته است

دبیران آموزش پیشین نیز عمدتاً بمنظور تعیین

مقایسه و جاموسی از دبیرستانها از میان عناصر

مطمین و جاموسی مسلک دست چین شدند اینها

همه جوانین از تالیهای رژیم برای برانداختن

یک دستگاه کثیف با پرس دیگر مانده‌اند و اگر است

ولی این سر به سر نوشت بلند خود یعنی مسارا

دچار خواهد شد

در گوی آبی بری مشهد، پاسداران به خانه‌ها

می که هنگام سحر جوانها ایشان خاموش بود، جمله

کرده‌اند

همچنین در تاریخ ۱۸ شهریور نامه‌ای بسند

ادارات مشهد ارسال شده است که در آن بسند

با کتین چهارم دستگا اظهارنده است کتینه در

صورت عدم رعایت عبادت با خاموش بودن چراغ

به هنگام سحر از واحدهای مسکونی اخراج خواب

هند شده لازم به یادآوری است که چهارم دستگا

منطقه‌ی خانه‌های سازمانی است که توسط ادارات

به کارمندان اجاره داده شده است

این هم نمونه‌ای دیگر از شعار "جهان را

با منطق براسر تسلیم میکنند" که دو سال ونیم

است دیوارها را بر کرده است البته اگر

"منطق" کارگر نیاند چاق آباده است که وظیفه‌ی

آنها بشده بگیرد

اینگونه اعمال رژیم و اعمال دیگری از

تبدیل شمار اجباری در کارخانه‌ها و مسایلی که

مذهب و آزادی "اهل کتاب" و اجباری نیستند

دین است

سردمداران جمهوری اسلامی درست با بسند

سایر متطهرین و خشک مغز ان مذهبی ناهمنوا و

عاجز از قبولان تفکرات کشیف و ارتجاعی خود

به مردم، اکنون حماق قتل و کشتار اختیار خود

را بلیند کرده و شمار خود را به "جهان براسر

با چاق مسلحان میکنند" تغییر داده‌اند

لیکن این دیوانگان چند قرن دیهتسز از

دوران خود به دنیا آمده‌اند در دوران پیشرفت

ولیم، لشکر آزاد و انقلاب، حماق کساری از

پیش کشیده‌اند

شیخ ملی تهرانی اکنون بیش از ده هفته است

که به تنهایی در اتمام غذا بسر میبرد

به نقل از خبرنامه (شماره ۲) اتحاد ملی زنان

۱۳۶۰/۲/۲۴

بیشتر اعدام شدگانی که به پزشکی قانونی

منتقل میشوند، از ناحیه‌ی شکم مورد اعدام است

کنوله قرار گرفته‌اند این امر نشان میدهد که

دژیمان رژیم جمهوری اسلامی از شلیک تبر خلاص

به آنان دریغ دارند

شده‌ی پیشین یکی از پزشکان قانونی از گزار

استعفا میدهد و عده‌ای دیگر از کارکنان پزشکی

قانونی تهدید به استعفا میشوند طمس است

اعتراض و استنفای کارکنان، عرف نظر از اعدام

بی در پی نوجوانان، واقعه‌ای بوده که آخیراً

در این سازمان رخ میدهد یکی از اعدام شدگان

جوان شایسته که همواره سایر اجساد به پزشکی

قانونی منتقل شده بود هنوز نیمه‌جان بسوده و

کارکنان از ایجاد تعویل نه‌ننده میخواهند که

وی تحت درمان قرار گیرد، پاسدار در جواب کت

خود را در میاورد و همانجا تبر خلاص را به مجروح

شلیک میکند

چند تن از مرده شویهای سینهت زهرا پسرواز

دیدن اجساد اعدام شدگان اخیر دچار بیمساری

روانی شده‌اند یکی از آنها گفته است:

"چطور میتوانم بدن سوراخ سوراخ شده‌ی

دختران نوجوانی را که هنوز سلامت بلوغ

در سینه و بدنشان نیست بشویم؟"

دختر سیزده ساله‌ای که اخیراً اعدام اوخصسرو

تفرت مردم را در سرا برابری و جهان برانگیخت

دانش آموز مدرسه‌ی راهنمایی ونک بوده است

این دختر که فرزند خانواده‌ای فقیر و زحمتکش

است، بخارج خود را از راه کار کردن در خانه

های مردم تامین نموده است

شایع است که جسدی از "مجهول اليهود" ها که

در مرکز حزب جمهوری قتل رسیده‌اند متعلق بسند

فرودست (دوست سابق شاه و مشاور سپاه پاسداران)

میباشد، شایعات درباری افراد مجهول اليهود

از جمله فرودست دوست شاه و برادرش و یکی مشهور

از آنها سرشمه میگردد که هنوز با می افراد مجهول

اليهودی اعلام نشده‌اند، با توجه به اینکه در جنبین

جسدی مهمی افرادنا تناس و نا شناخته شرکت ندا

نداند، و تا بحال رقت کافی برای شناسایی اجساد

دراختیار ما مورین قرار داده‌اند، روشن میشود

علت اعلام نکردن کلیه‌ی اسامی شرکت کننده‌گان

چیست

بقیده‌ی منجمی

دستگیریهایی که محل شدت متشنج شد و خشم و نفرت مردم از پاسداران ظلم و ستم بالا گرفت، برآستی که تجلیفات نفرت انگیز رادیسو و تلویزیون رژیم ارتجاعی و روزنامه های رو به ورشکستگی آن فقط برای هوامل خود رژیم قابل قبول است. با اینهمه بوق و کرنا، تهدیدات مختلف و بخش شایعه، رژیم حتی در مجتمع مس سرچشمه که محلی نسبتا کوچک و قابل کنترل است موفق به کشاندن مردم بهای صندوق انتخابات فرمایشی نشده است.

تمام تیرهای رژیم بکنی پس از دیکری بسه سنگ میخورند. کار رژیم بجای رسیده که بسیاری برقراری خفقان ناچار از فرستادن اوباش مسلح به درهای خانه هاست. و تازه در این نیز موفق نیست. چرا که این مریضت تمام رژیمهای متفرد در جهان است که سعی دارند به وسیلهی مثنی شمول بنند جانی بر اکثریت مردم حکومت کنند. ولی تجربه نیز نشان داده است که همین یک مثنی شمول بنند هم در مقابل جنبش مردم زخمیتکش پا به فرار میگذارد. تدویر رژیمهای جنایتکار در مقابل تودهی مسرودم خشمگین تنها میگذارند. کافیت ساواک و گارد جاویدان رژیم شاه و کاردملی سوموزادیکتا تور نیکارا گوشه را بخاطر آوریم.

تقدیر

ایمان تعدادی از عناصر حزب الهی وفالانز مشهد که در بسیج جاویدگان و برقراری خفقان فعال هستند به شرح زیر است:

- ۱- عبدالجبار زاده، لیسانسیه شیمی از دانشگاه مشهد، دبیر دینی در دبیرستان دکتر ملی شریعتی، وی در قلعهی امام رضا، تکبیهی تهرانی ها زندگی میکند و از عناصر مسرودور و از گردانندگان تظاهرات حزب الهی هاست.
- ۲- زراعتگر، لیسانسیه شیمی، دبیر دینی در دبیرستان شریعتی.
- ۳- فرحوش، لیسانسیه ریاضی، دبیر ریاضی در دبیرستان شریعتی.
- ۴- جواد دورانیشی، فرزند یک ارتشی و ساواکی سابق، وی عضو مجمع اعیاء و تفکرات شیمی از یاتد دیالسه ("نخاینده"ی سابق مشهد در مجلس بود که در انفجار حزب جمهوری بیدارک و اخل شد) و کارمند دفتری دبیرستان شریعتی و دانشجوی شبانهی دانشکدهی علوم مشهد است.
- ۵- حسین سجادی، معلم آموزش و پرورش فریمان مشهد، وی قبلا رئیس امور پیشاهنگسی در فریمان، عضو حزب رستاخیز آریا مهری و اکنون عضو حزب رستاخیزی جمهوری اسلامی در فریمان است. وی همچنین مسئول محلی در روستایی نهر هاست.

- ۶- محمد سجادی، کارمند ادارهی بهداشتی و بهداشتی مشهد.
- ۷- حسین قنبریز، شغل آزاده، وی در شرکت اتوبوسرانی اتوتاج در خیابان تجریش مشهد مسئول پلیس است. وی نیز قبلا عضو حزب

رستاخیز بوده و اکنون حزب الهی است. دختر وی نیز که حزب الهی است یکی از بستگانش را که از هواداران مجاهدین بود، بر خانه اجیت. شاهین لطف آبادی، آدرس: خیابان خمینی (ارک سابق مشهد)، کوچهی خمینی ۲۷، پلاک ۴- تلفن: ۴۲۲۹۴

۸- محمدعلی ناجی، آدرس: خیابان ابوذر غفاری (سی متری دوم سابق)، ابوذر غفاری ۱۷، پلاک ۷۵

۹- جواد رحیمی روشینی، متولد اسفاین آدرس: خیابان شوهدی، کوچهی زمردی، پلاک ۲۹
۱۱- صاحب قالببازی ممتاز (آئینه و شیشهی ساختن) واقع در خیابان سعدی، تلفن ۵۵۵۰۴ وی در عملی فالانزها به بساط نیروهای چپ در خیابان دانشگاه مشهد شرکت داشته است.

۱۲- صاحب مقازهی الکتریکی واقع در چهارراه لشکر مشهد، وی بارها هواداران نیروهای چپ را دستگیر و تحویل کمیته داده است. اخیرا نیز مقازهی وی توسط موتورسواری بسا مواد آشکارا به آتش کشیده شد.

۱۳- محمد هودت زاده ابهری، آدرس: خیابان خواجه ربیع، کوچهی امیرشاهی، پلاک ۱۷، تلفن ۵۲۸۱۱

۱۴- رضا سهیلی، آدرس: خیابان مسعود، میدان بنفشه، پلاک ۷۵. گفته میشود خانوادهی سهیلی باعث لورفتن دو خانه از مجاهدین خلق در خیابان مسعود بوده اند.

۱۵- کمال الدین حق بین، آدرس: خیابان خواجه ربیع، کوچهی امیرشاهی.

۱۶- صاحب کارخانهی سنگ و موزائیک سازی خارا اتومات در جادهی مشهد شاندیز، وی صاحب مقازهی نیز در خیابان سناباد، پنجره سناباد نیز هست. تلفن ۲۲۹۷۹

۱۷- احمدرضا و غا زاده، عضو کمیته. آدرس: خیابان خمینی (ارک سابق)، کوچهی کنسول اقصاستان، مقابل پلاک ۳۲.

۱۸- حسین طالبخواه، عضو بسیج سپاه پاسداران مشهد. آدرس: خیابان خواجه ربیع، کوچهی روبروی حمام کلانی، پلاک ۲۵، تلفن ۵۱۶۱۲

۱۹- امیر خسرو خیابانی، آدرس: خیابان سناباد، ابوسفید ابوالخیر، بین مهناز و آبرج، پلاک ۵۱

۲۰- محمد حسین نیرومند، آدرس: خیابان ابوذر غفاری، ابوذر غفاری ۳۳، پلاک ۱ همچنین اتومبیلهای زیر نیز متعلق بسه ارتجاع در خدمت سرکوب مبارزات مردم هستند:

- ۱) استیضی باری خاکستری تیره بسه شمارهی ۱۴۶۲۲ تهران - ۵۱ متعلق بسه سپاه پاسداران مشهد.
- ۲) پیکان پسته ای رنگ به شمارهی ۱۳۶۲۱ گنبد - ۱۱، از گشتیهای شخصی سپاه پاسداران مشهد.
- ۳) پیکان شمارهی ۲۷۱۵۴ مشهد، وابسته به بسیج سپاه پاسداران، واحد مسجد شمس الشوس (خیابان دریا واقع در طلاب)

باتمام قوا مانع دستگیری مبارزین شویم



تهران

چندی قبل یکی از چهارنا و جنگی ایران، بنام میلانیا، به یک سکوی حفاری در میان دریا در امانت کرده و سپس به جزیره‌ی مارگ منتقل شده. در آنجا با مگول کردن تصمیمات بعد، این ناو غرق شده است و ۳۰ تن از خدمه‌ی آن در تهران تحت نظر قرار گرفته‌اند. جالب اینست که روزنامه‌های قلم بمزد رژیم یک کلمه در اینباره سخن نگفته‌اند.

ساعت ۱۱/۱۵ صبح جمعه ۲ مرداد روز انتخابات فرمایشی، بدستمال انفجار بمب‌سازان سرمایه به تقاطع خیابان زرتشت با صدق هجوم برده و در آنجا مستقر شدند. در این هنگام جوان ۶۰ ساله‌ای که دچار اضطراب شده بود، شروع به دویدن کرد که بلافاصله توسط پاسداران ارتجاع به رگبار بسته شد و در کف خیابان جان داد. همچنین جسون دیگری که از مقابل فروشگاه کورش فریاد اعتراض علیه این عمل فاشیستی را سر داد، با رگبار مسلسل مواجه شد که فقط توسط یک درخت تنومند از مرگ نجات یافت.

چلادان جمهوری اسلامی در تملای حفظ حاکمیت ارتجاعی قرون وسطایی خود به اوج جنون رسیده‌اند و به هر عمل چنانچه رانده‌ای دست میزنند تا بلکه چند صیاحی بیشتر به بقای نتگین خود ادامه دهند.

شهرگرد

ژاندارمهایی که سرای بردن جوانان به جنگ به دهات اطراف شهر کرد مراجعه کرده بودند، با مقاومت آنها مواجه گشتند. در زدوخوردهای بین مردم و ژاندارمها، تعدادی از ژاندارمها کشته شدند. پس از آن پاسداران سرمایه وارد عمل شدند. دولتی آنها نیز با مقاومت روبرو گشته و تعدادی تلفات بجای میگذازند. بدستمال این وقایع، تعدادی از جوانان به کوهها پناه برده‌اند، جنگ ارسجاسی ایران و عراق از ابتدا برای مردم زحمتکش ما نتیجه‌ای جز بدبختی، آوارگی،

گرانی، بی خانمانی و سرگ بهمراه نداشتن است. آتش این جنگ هنوز شعله میکشد و رژیمهای ارتجاع ایران و عراق هر روز تعداد بیشتری از مردم دو کشور را قربانی تماریات و اختلافات خود میکنند. لیکن، اکنون و خامت اوفاع به حدی رسیده است که نطفه‌های مقاومت علیه احضار جوانان به جنگ در حال شکل گیری است و نموده‌ی فوق مثال بسیار خوبی در این زمینه است. مشولین سراسر کشور نیز می باید از این نموده پیروی کرده و حتی المقدور از رفتن بسه جنگ و کشته شدن بخاطر رژیمهای سرمایه‌داری ایران و عراق خودداری کنند. این امری است که بسادگی قابل اجراست. بخاطر داشته باشیم که رژیم جمهوری اسلامی در شرایطی بسیار بدتر و آشفته‌تر از آنست که بتواند مشولین فراری را تعقیب کند. علت اصلی اینهم کسه رژیم مرتبا مجبور است مشولین سالهای بالاتر را احضار کند دقیقاً بخاطر خودداری تسلساد زیادی از احضارشدگان از رفتن به جنگ است. بکوشیم تا خودداری از شرکت در جنگ رژیمهای سرمایه‌داری ایران و عراق را به یک امر همگانی مبدل سازیم.

مجلس سرچشمه

قبل از انتخابات فرمایشی ریاست جمهوری، یعنی روز ۲۹ تیر پاسداران سرمایه مستقر در مجتمع نس سرچشمه، اسامی کلیدی افرادی را که در مجتمع کار میکنند و اسامی اعضای خانواده‌های آنها را جمع آوری کردند. کسانی که از دادن اسامی خانواده‌ی خود خودداری میکردند شدت مورد تهدید واقع میشدند.

بدستمال این امر شایع شد که ابتکار برای کنترول آراء در روز ۲ مرداد، انجام شده است. در نتیجه بسیاری از کارکنان، چه کارمند و چه کارگر، به بهانه‌ی تعطیلی دوروزه (پنج شنبه و جمعه) مجتمع را ترک کردند.

علاوه بر این نیز پاسداران آزادی سرمایه همواره سعی در برقراری اختناق در مجتمع را داشته‌اند. بعنوان مثال اگر چراغ خانسهای تا دیروقت روشن باشد، سپاه ظلم جاسوس به‌حوالی آن میفرستند. حتی یکی از پاسداران اخیراً تخین جاسوسی در بیرون یک خانه بدست مردم گرفتار آمد و این امر باعث رسوایی فراوان سپاه ارتجاع شد.

بعد از انفجار در مقر حزب رستاخیزی جمهوری اسلامی نیز بعضی خانه‌ها مورد حملسه واقع و حداقل دو نفر دستگیر شدند.

پاسداران سرمایه مستقر در مجتمع کسه ما مور برقراری امنیت برای سرمایه‌داران در منطقه نیز هستند، روز ۲۸ تیر پس از دریافت گزارشی از جهاد سازندگی پاریز که دهسی در ۱۵ کیلومتری مجتمع مس است، به آنجا رفته و ۶۹ نفر را دستگیر کردند. بدستمال این

برای تحقق آرمانهای واقعی زحمتکشان: انقلابی دیگر نباید